

## سال سوم و شاید سال آخر

۵ خرداد ۱۳۹۵ ساعت ۱۵:۰۴

ایران که بدون هیچ منفعتی یک قسمت از حدودش در آتش جنگ بین المللی می سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی ماند...»

جوان و تاریخ- اخبار تاریخی

این زمان زمان سوم  
سال سوم و هاید است که از غیر جنگ  
سال آخر بین ایشی می گذرد و  
مدرجا در این زمان بخون دوزی شدید حاکم  
فاده زد که چینی هزار غرور موقت در تحت  
حاکم خود پیروز

دربار جنگ های بزرگ در مروت  
های مختلفه تطبیق و تفریق از حلات ارضیه  
و احوالات متغیره شدید است مگر ملاحظه میباید  
بود دست کشید و اصطلاح امروزه سگری با  
تشدیدی می شود ولی در ضمن قوای خود را  
برای آنکه که شاید سال آخر جنگ بین ایشی  
باشد حاضر نمیباشد که با آمدن بهار که فصل  
تجدید حیات است کشتی از موجودات است این  
شده پس قرن حاضر تمام آلات قتل و اعدامی  
را که برای جان هندیک و جان بی طرفها تهیه  
نموده اند از نو بکار میگذارند

در مروت بزرگ - استکان و کاپی و در  
مروت فرانسه نیز از این بعد جنگ ها حالت  
سخت تر باشد و در جوب کاپی نیز مندرجا  
آرامی برقرار می شود تنها در مروت با کتان  
است که در این نوع خونریزی فعالیت سابق خود  
یافتی است و آنچه احتمال می رود این است حاکم  
زمانه امسال توجه مخصوصی بیشتر بر مروت  
جنگ گردیده و زمینه صلح آینه نیز در اینجا  
براهم گزیده ، چه اگر متفقین موفق به یسرفت  
در بالکان شوند وضعیت شان و بجز سخت و  
روابط این دو دولت از بر سر کار نکند خود  
مقطوع شده و قهرا در حکومت مشورت میگردند .  
برعکس اگر متعین اروپای مرکزی در بالکان  
یسرفت های مهم تانی بکنند یک قسمت بزرگ  
از منطقه متعین طعم مانده ، و نتیجه مدت مدیدی  
برعکس جنگ افزوده خواهد شد .

بهر حال باید می شود که برای تمام  
طلبی هسته داخل در جنگ هست و برای حفظ  
حیات با سعادت آینه خود از هیچ قسم لشکری

خود داری نبیند فصل داستان فصل استرات  
سی و دور توجه بیش از این محسوب می شود ولی  
برای ایران حاکم بدون هیچ منتفی یک قسمت  
از خدمت در آتش جنگ بین ایشی پیروز  
این استرات نیز مرتفع و حتی در همین حرم  
جان و مال یک عدد از اعلی مقامتش از قبل  
و بعد محفوظ تر ماند .

با که در شهران و از فرودت جنگ دور  
شاید صورت می توانیم نسبت اعلی حاکم  
آن حدودی را بپیکر گوییم که در آن در جنگ  
می سوزد و بیش چشم خود به چشم کنیم .

چرا گوئی یعنی وجه خود بی آن  
آیا هنوز تیراید خودی بنگر و بیخ  
گرفته و استیلا که باعث این همه بدستی و  
سختی شده است ؟

آیا خطرناک و از راه بر ما - طوفان های  
دیگر شده منوطان ما - حاله های خرابیه و  
تراج شده ما - هنوز از طوفان ما تری نمانده  
گرفته است ؟

نگران نمی کنیم  
آیا اینا توی - بی فکری - تصورات  
موجود در دوش استغاده های معنوی - نظرات  
و مضامین شدید را طرف ما جلب نکرده و  
کلیه مواعیل استغاده را از ما جلب نمود ؟

آیا مواعیل شش را جزء مدت حساب  
ما باید محسوب داشت ؟ آیا در نزد کسی سیاسی  
حکمرانان ما رشادت سیاسی و شجاعت انقلابی  
باشد و قی موافق عمل نگردد شده است ؟ و آیا  
بسی مقامات عالی و صیغه آمریک ها و کشتی  
های اعلی یکی از فرایض سیاسی محسوب  
شده و نتیجه معنوی از جرایم سیاسی باطنی  
برای کار گران ما تصور بوده است ؟

متأسفانه جواب نامه این سؤال ها معنی است  
ما چه بلدی که باید بگوئیم در موقع  
تفتاب و تنها فرط غلامه وطن است که هنوز  
سی گداور ساختن ما را از این است که گاهی  
این نوع خطایی را برای اصلاح مورد حین در آینه  
یادگار در این صحبت گذارده و می گذاریم .

همان طور که می دانیم دو جنگ جهانگیر در قرن بیستم رخ داد. جنگ هایی که بخش های زیادی از جهان را به خود مشغول داشت. در هر دو جنگ برخی از کشورها به طور ثابت حضور داشتند، مثل انگلستان که در نهایت در هر دو جنگ جزء طرف پیروز

بود و آلمان که در هر دو جنگ در میان شکست خوردگان حاضر بود.

اما کشورمان، ایران، در هر دوی این جنگ‌ها جزء بی طرفان بازنده بود. اگر آلمان در هر دوی این جنگ‌ها خودخواسته وارد شده و به نوعی رهبری یکی از جبهه‌ها را بر عهده گرفته بود، ایران نه تنها حاضر به ورود به جنگ نبود، بلکه صراحتاً اعلام بی طرفی می کرد. اما ضعف قدرت مرکزی سبب می شد تا کشور ما نتواند از آتش جنگ محفوظ بماند و از این رو مردم ایران تنها می بایست آرزو می کردند تا جنگ به پایان برسد تا بدین گونه بتواند بار دیگر رنگ آرامش را در کشور خود ببیند.

روزنامه عصر جدید در زمانه مشروطه و در میانه جنگ جهانی اول در یادداشتی با عنوان «سال سو و شاید سال آخر» به توصیف زمستان سومین سال جنگ می پردازد:

«این زمستان، زمستان سوم است که از عمر جنگ بین المللی می گذرد و متدرجاً سردی زمستان به خون ریزی شدید خاتمه داده، زندگی چندین هزار نفر را موقتا در تحت حمایت خود می گیرد. عنقریب جنگ‌های بزرگ در فرونت‌های مختلفه تعطیل و متحاربین از حملات تعریضیه و یا حملات متقابله شدید که مستلزم تلفات عظیمیه بود دست کشیده و به اصطلاح امروزه سنگری یا خندقی می شوند ولی در ضمن قوای خود را برای آتیه که شاید سال آخر جنگ جهانی بین المللی باشد، حاضر می نمایند که با آمدن بهار که فصل تجدید حیات یک قسمتی از موجودات است، این متمدنین حاضر تمام الات قتل و اعدامی را که برای جان همدیگر و جان بی طرف‌ها تعبیه نموده اند از نو به کار بیندازند...»

نویسنده ای یادداشت سپس به سراغ آتشی که از جنگ نصیب ایران شده می آید و می نویسد: «... ولی برای ایران که بدون هیچ منفعتی یکی قسمت از حدودش در آتش جنگ بین المللی می سوزد این استراحت نیز مرتفع و حتی در همین سرما جان و مال یک عده از اهالی مملکتش از قتل و نهب محفوظ نمی ماند...»

او سپس برخی سوالات را از سیاستمداران ایرانی می پرسد؛ از جمله آنکه: «آیا خسارات وارده بر ما-خون‌های ریخته شده هموطنان ما-خانه‌های خراب و تاراج شده ما- هنوز در قلوب ما تاثیری تولید کرده است؟» و سپس صراحتاً پاسخ می دهد: «گمان نمی کنم» و در پایان ضمن اشاره به این نکته که به کرات به این مسائل پرداخته است، می نویسد: «... گاهی این حقایق را برای اطلاع مورخین در آتیه به یادگار در این صفحات گذارده و می گذریم...» ۱

پی نوشت‌ها:

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/32919/سال-سوم-شايد-آخر>